

واکاوی گام‌های نیروسازی و ارتباط آن با تحقق فرج حضرت

ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

فاطمه الیاسری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۸

چکیده

یکی از آرزوهای هر انسان منتظر و عدالت‌خواهی تحقق فرج، گشایش امر و ظهور دولت کریمه حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این امر خطیر و سرنوشت‌ساز نیازمند شرایط و زمینه‌هایی است که لازمه منطقی تحقق ظهور است. کشف و یافتن ارتباط میان شرط و مشروط اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع را آشکار می‌سازد. نیروسازی اعم از انسانی و غیرانسانی یکی از شروط ظهور است؛ همچنین نیروسازی گام‌هایی دارد که با شناخت آنها می‌توان در مسیر تحقق آنها گام برداشت. نیروسازی برای ظهور حرکتی است که ابتدا از درون انسان آغاز می‌گردد انسان باید در مرحله اول خودش را بشناسد، و اولین مرحله شناخت تثبیت عقاید سپس عمل به دانسته‌های خویش است در گام‌های بعدی ضرورت تربیت معنوی نیروی جوان و زمینه‌ساز، تشکیل حکومت اسلامی و به تبع آن نیروی نظامی و سیاسی قرار دارد. این نگاه با رویکردی تحلیلی توصیفی و با مدد گرفتن از آیات و روایات به تبیین گام‌های نیروسازی و ضرورت کسب کردن آنها به منظور محقق ساختن ظهور و ارتباط بین شرط و مشروط می‌پردازد.

واژگان کلیدی

نیروسازی، قوه، ظهور، فرج، شرایط ظهور.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امروزه انسان‌های عدالت‌خواه، برطرف ساختن موانع و مهیا ساختن شرایط و زمینه‌های لازم برای ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. برخی از موانع ظهور به خواست و اراده خداوند یاران فداکار و خالص، مهیا نبودن شرایط جامعه جهانی و نداشتن

۱. فارغ‌التحصیل سطح سه و عضو شورای انجمن کلام جامعة الزهراء عجل الله تعالی فرجه الشریف قم، ایران (fatemeh_ysr@yahoo).

آمدگی روحی و معنوی تک‌تک آحاد بشر برای پذیرش حضور مصلح جهانی و اموری از این قبیل در حیطه اختیار انسان‌هاست. تمام این موانع در سخن نورانی امام صادق علیه السلام در پاسخ به نامه ابومسلم خراسانی موجود است. ایشان به صراحت درخواست ابومسلم را جهت قیام رد کرده و فرمودند:

مَا أَنْتَ مِنْ رِجَالِي وَلَا الزَّمَانِ زَمَانِي (أسد حیدر، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۵۶).

این بیان خود گویای این حقیقت است که یک قیام علاوه بر داشتن رهبری مقتدر به امور مهم دیگری نیازمند است که در صورت عدم آنها قیام محقق نمی‌گردد. یکی از اموری که جای بحث و بررسی دارد زمانه است. امام علاوه بر این که ستون‌های یک حرکت انقلابی را بر شانه‌های یارانی خالص، وفادار، از جان گذشته استوار می‌داند از ستون دیگری به نام زمانه نام می‌برد. زمانه به تمام شرایط حاکم بر جامعه اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، علمی، صنعتی و حتی روحی و روانی اطلاق می‌گردد. زمانه‌ای که خود پذیرای تحول و انقلاب جهانی باشد، در زمره زمینه‌های ضروری تحقق ظهور خواهد بود. ناگفته پیداست که زمانه و اتفاقات حاکم بر آن معلول نحوه عملکرد حاکمان و انسان‌هایی است که در هر برهه از زمان زیست کرده‌اند.

از وظایف مهم هر انسانی در مسیر ظهور نیروسازی است نیروسازی منحصر در شکل‌گیری یا تجهیز یاران خاص حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست بلکه با افقی فراتر باید به این مسئله نگریست. انسان قرن چهاردهم که از زمانه او تعبیر به آخرالزمان می‌کنند باید بدانند که کوچک‌ترین عملکرد یا حتی نحوه اندیشه او بر نحوه تربیت فرزندان در خانواده، کل جامعه و حکومت کنونی یا نظام‌های آینده تأثیرگذار خواهد بود؛ در نتیجه نباید از آن به سادگی عبور کرد. بررسی ابعاد گسترده نیروسازی و همچنین نقش آن در تحقق ظهور و یا آماده‌سازی شرایط ظهور زمانی اهمیت مضاعفی می‌یابد که بدانیم ارتباط وثیقی میان نیروسازی و ظهور وجود دارد.

پیشینه بحث

پیش نیاز موضوع نیروسازی، پرداختن به شرایط ظهور و بررسی این امر که چه تعداد از شرایط پیش از ظهور محقق می‌گردند. در این باب یعنی چستی شرایط و وقوع یا عدم وقوع آنها، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. در حقیقت واکاوی تک‌تک شروط ذکر شده در

روایات و اخبار خود یک چالش است و تحقق یا عدم تحقق آنها در جامعه منتظر مهدوی چالشی دیگر، که آثار زیادی به این امر اختصاص یافته‌اند.

آنچه این نوشتار را از سایر نوشته‌ها متمایز می‌سازد، پرداختن به نقش نیروسازی به عنوان اصلی‌ترین وظیفه منتظران در عصر غیبت است؛ وظیفه‌ای که هر منتظر باید مقدمات آن را به منظور تحقق جامعه مهدوی مهیا کند تا آن‌جا که عدم پیاده‌سازی آن، او را از زمره منتظران حقیقی خارج می‌سازد.

روش پژوهش این نگاشته تحلیلی توصیفی بوده و پس از بیان حقیقت نیروسازی در جامعه منتظران، به تبیین مهم‌ترین عوامل موثر در نیروسازی اعم از انسانی و غیرانسانی می‌پردازد. به طور قطع عوامل مؤثر در نیروسازی که خارج از اختیار انسان بوده، از حیطه این نوشتار خارج است. اما تمام عوامل نیروساز اعم از فردی و اجتماعی ذکر می‌شوند. هم‌چنین رویکرد تحلیلی این بحث مربوط به شناخت جایگاه نیروسازی به عنوان یک شرط در میان شروط ظهور است. در واقع باید دانست میان شرط و مشروط رابطه منطقی برقرار است، به این معنی که با تحقق شرط، مشروط حتمی‌الوقوع خواهد بود. صادق بودن این معنا بر نیروسازی به عنوان یک شرط جای تحلیل و بررسی بیشتری دارد که به آن پرداخته خواهد شد.

مفهوم‌شناسی

نیرو؛ نیرو به معنای زور، قوت و قدرت آمده هم‌چنین به توانائی نیرو گفته می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷ش). معادل عربی واژه نیرو، «قُوَّة» به معنای قدرت است، به توانایی موجود درون یک شیء نیز قوه گفته می‌شود؛ مانند دانه که توانایی نخل شدن را دارد. در بسیاری از آیات قرآن کریم قوه به صورت مطلق استعمال شده، اما منظور مصادیق آن بوده از جمله، قدرت بدن، قدرت قلب، قدرت یافتن به واسطه عامل خارجی یا قدرت الهی (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۴۱۹). از دیدگاه علامه طباطبایی کلمه قوه به معنای هر چیزی است که با وجود آن، کار معینی از کارها ممکن می‌گردد، به عنوان مثال اگر در جنگ استعمال شود به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان‌پذیر است (طباطبایی، ۱۳۸۷ش: ج ۹، ۱۵۱). در قرآن کریم استعمال واژه قوه در کنار «وَأَعِدُّوا» تنها در علوم نظامی کاربرد دارد و عبارت است از هر نیرویی که فراهم کردن آن موجب توانمندی و تقویت سپاه می‌شود که شامل جذب نیروی نظامی، آموزش دادن آنها، تهیه سلاح و تجهیزات جنگی می‌گردد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق: ج ۵، ۳۶۰).

ظهور؛ خلیل بن احمد در معنای ظهور آورده «بُدُّوُ الشَّيْءِ الخَفِيَّ» یعنی آشکار گشتن چیزی پنهان (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ۳۷). در واژه ظهور آنچه اهمیت دارد مسبوق بودن آن به غیبت است، در اصطلاح مهدویت، مقصود ظاهر شدن حضرت بعد از پنهان زیستی طولانی است. دوران ظهور را می‌توان متشکل از سه مرحله دانست: ابتدا ظهور و آشکار شدن، قیام و خروج برستمگران و مرحله تثبیت حکومت جهانی (الصدر، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ۱۹۵). ظهور به معنای قیام به مجرد رویت حضرت نیست؛ بلکه ابتدا ظهور حاصل گشته سپس با جمع شدن یاران و آماده شدن دیگر شرایط، آن حضرت قیام می‌کنند. آنچه در این نوشتار از ظهور مد نظر است؛ مرحله اول یعنی آشکار شدن عمومی پس از زیست طولانی مدت است.

فَرَج؛ به معنای گشایش امر و برطرف شدن غم است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ۱۰۹). در اصطلاح مهدویت علاوه بر این که فرج یک معنای عام دارد و هر نوع گشایشی را فرج گفته‌اند. در برخی روایات معنای خاصی از گشایش یعنی ظهور آخرین مصلح جهانی و یا به آثار وضعی انتظار، فرج اطلاق گشته است (سلیمیان، ۱۳۸۳ش: ۵۷) امام سجاد علیه السلام فرمود:

انْتَظِرِ فَرَجَ مِنْ أَكْثَرِ الْفَرَجِ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۲۰):
انتظار فرج از بزرگ‌ترین گشایش‌هاست.

شرایط ظهور؛ شرط به معنی عهد و پیمان است (دهخدا، ۱۳۷۷ش). در علم فلسفه هر آنچه که با مشروط، رابطه علی داشته باشد به نحوی که تخلف مشروط از آن به لحاظ عقلی و منطقی محال باشد. قبل از ظهور اموری هستند که وقوع ظهور متوقف بر وجود آنان است، و لازم است که این امور پیش از ظهور محقق شوند. مانند اراده الهی بر ظهور حضرت، وجود یاران خالص و فداکار. نکته قابل توجه این است که شرایط ظهور با علائم ظهور متفاوتند؛ بین علامت و ظهور رابطه علی برقرار نیست بلکه ارتباط بین این دو کشف و خبررسانی است. یعنی برخی از علامت‌ها به آحاد بشر اعلام می‌دارد که ظهور در شرف وقوع است؛ اما وقوع ظهور به وجود این علائم وابسته نیست. مانند وجود دجال و قتل نفس زکیه (الصدر، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ۳۹۶).

ضرورت نیروسازی

تمام حرکت‌های انقلابی در طول تاریخ نیازمند زمینه و آمادگی‌هایی است تا به واسطه آن مظلومان جهان بر مستکبرین فائق آیند، ظهور حضرت مهدی علیه السلام و سپس قیام ایشان نیز از

این قاعده مستثنی نیست. خداوند متعال تمام راه‌های سلطه و قدرت طلبی دشمنان و کفار را بر مسلمانان نفی کرده و بر حفظ آمادگی مؤمنان سفارش فرموده است:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (انفال: ۶۰)؛

و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه امر در آیه را طبق فعل «و اعدوا» امر عامی می‌دانند که متوجه تمام مؤمنین است؛ اما این مسئله به ذهن خطور می‌کند که این آیه به نیروسازی نظامی اشاره می‌کند و قاعدتاً این‌گونه تجهیزات و وظیفه نیروهای نظامی، جنگاوران و عده‌ای محدود از آحاد جامعه است. به عقیده علامه جامعه، متشکل از انسان‌هایی با طبع و افکار متفاوت اما هدف واحد است؛ و آن هدف حفظ کل جامعه است. اما از آن جا که منافع جوامع مختلف با هم در تضاد هستند دیری نمی‌پاید که این دو اجتماع کارشان به درگیری و اختلاف کشیده خواهد شد و برای آن‌که هر جامعه بتواند از حق خود دفاع کند خداوند وجود آحاد بشر و به تبع آن جامعه را به قوای غضبیه و شدت فکر مجهز ساخته است. بنابراین بر تک تک مؤمنین فطرتاً واجب است از کل جامعه اسلامی دفاع کنند. خداوند متعال به بندگان خویش می‌فرماید هر آنچه از امکانات در راه نابودی دشمن و حفظ کیان اسلامی هزینه کنند، سود و منفعت دنیایی و اخروی آن عائد جامعه اسلامی و در واقع فرد فرد جامعه خواهد شد (طباطبایی، ۱۳۸۷ ش: ج ۹، ۱۵۳).

امام صادق علیه السلام ارزش هزینه کردن و نیروسازی در راه رسیدن به هدف را بسیار ضروری می‌داند به حدی که اگر کسی حتی به اندازه تهیه یک تیر در راه شکل‌گیری حکومت امام زمان علیه السلام تلاش کند در زمره یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له قرار می‌گیرد:

عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لِيَعِدَنَّ أَحَدُكُمْ خُرُوجَ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نِيَّتِهِ رَجَوْتُ لِأَنْ يَنْسِيَ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يَدْرِكَهُ فَيَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ج ۱، ۳۲۰)؛

ابوعبدالله (امام صادق علیه السلام) فرمود: هر يك از شما برای خروج قائم آماده کند ولو يك تير كه چون خدای تعالی بداند كه او چنین نیتی دارد امیدوارم كه عمرش را به تأخیر اندازد تا آن كه او را درك كند [و از اعوان و انصارش گردد].

اما برخی معتقدند مقصود امام از سهم، تیر حقیقی نیست؛ بلکه کنایه از هر فعالیت و تجهیز نیرو در مسیر تحقق حکومت جهانی مهدوی است (سلیمیان، ۱۳۸۳ ش: ج ۳، ۶۲). آیت‌الله جوادی آملی در بیانی شیوا به تبیین این روایت می‌پردازند، به عقیده ایشان:

این تیر، گاه تیر بیان و بنان است و گاه تیری درخور سایر عرصه‌های علمی و نظامی، یا باید توانمند باشیم که معارف الهی را شرح و تفسیر کنیم و توسعه دهیم و نشر و ابلاغ کنیم و با تمییز عقل از حس و قیاس و وهم و استحسان و خیال و مغالطه، در صیانت این چراغ نورانی بکوشیم یا با تسلط به فناوری‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف به ویژه در زمینه دفاع نظامی مهیای رویارویی با آنانی باشیم که زعم خاموشی شعله فروزان وحی را در سر می‌پروراندند، گرچه داشتن هر دو سلاح، مطلوب‌تر است (جوادی آملی، ۱۳۹۶ ش: ۱۱۸).

رابطه ظهور و نیروسازی

شرایط ظهور به معنای مهیا کردن زمینه‌های لازم و ضروری جهت تحقق این امر مهم است. معنای شرط در فلسفه یعنی هر آنچه که نتیجه یا مشروط برای تحققش بدان وابسته باشد و بدون شرط، مشروط به وجود نمی‌آید. این رابطه از نوع علی، معلولی یا سبب، مسببی است. در صورت عدم تحقق هر یک از شرایط ظهور، ظهور به لحاظ عقلی محقق نمی‌گردد و این خلاف عدل و حکمت الهی است که ظهور محقق نشود. پس شرایط نیز قبل از ظهور باید محقق گردند.

نکته مهمی که در این بخش باید بدان توجه کرد این است در روایات موثق و صحیحی وقایعی ذکر شده‌اند که بر وقوع آنها قبل از ظهور تاکید شده است و عده‌ای آنان را از شرایط ظهور پنداشته به این معنا که در صورت عدم تحققشان ظهور واقع نمی‌گردد، مانند قتل نفس زکیه، وجود دجال، پر شدن زمین از ظلم و ستم و... در حالی که این امور از جمله شرایط نیستند بلکه از علائم ظهور هستند و بین شرط و علامت تفاوت بسیار است. علامت دلالت بر کشف و حادث شدن یک پدیده حین وقوع یا بعد از وقوع آن علامت را دارد. مانند حرکت دسته جمعی و سر و صدای پرندگان که دلالت بر بارش باران یا وقوع طوفان را دارد. علیرغم این که قبل از هر طوفانی پرندگان به تکاپو می‌افتند اما نمی‌توان گفت وجود طوفان وابسته به وجود

تکاپوی پرندگان است. در نتیجه رابطه علائم و ظهور رابطه کشف و خبردهی است نه رابطه واقعی عینی لزومی، به این معنا که ممکن است ظهور محقق شود در حالی که برخی از علامت‌ها محقق نشده‌اند و این دلیل بر کذب روایات و مستندات تاریخی نیست (الصدر، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ۳۹۶).

حال که ارتباط شرط و مشروط تبیین شد، این نوشتار به بررسی جایگاه نیروسازی در میان شرایط ظهور می‌پردازد.

جایگاه نیروسازی در میان شرایط ظهور

تمام شرایط ظهور برای ما در حال حاضر به روشنی آشکار نیست اما پاره‌ای از شرایطی که تحقق روز موعود و نشر عدل الهی بر آنها متوقف است به شرح ذیل است:

۱. وجود برنامه و طرحی متعالی که ضامن سعادت و کمال بشر بوده و عدل الهی را بر جهان حاکم سازد و این برنامه محدود به زمان و مکان خاصی نباشد. بدون چنین برنامه‌ای، عدالت جهانی محقق نخواهد شد و عدالت ناقص یا جزئی بشر را به کمال سعادت خویش در این دنیا نخواهد رساند. برنامه‌ای که در طول تاریخ، پیامبران و وظیفه ابلاغ آن را به بشریت داشته‌اند بدون ظهور به کمال خود نخواهد رسید.

۲. وجود رهبر و هدایتگری معصوم، که توانایی رهبری کل جهان را داشته باشد. در حقیقت این شرط متضمن دو امر است وقوع انقلاب جهانی و وجود توانایی اداره کردن چنین حکومتی. این شرط نیز با ولادت دوازدهمین امام معصوم تحقق یافته است.

۳. وجود نیرو یا یارانی متقی و حامی که آماده اجرا و تنفیذ تمام اوامر و برنامه‌های امام معصوم علیه السلام هستند. در این‌که امام معصوم می‌تواند بدون نیاز به یاران با قدرت معجزه و امدادهای غیبی قیام کند شکی نیست؛ اما اگر چنین امری متضاد حکمت الهی نبود امامان پیشین و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باید چنین قدرتی اعمال می‌کردند. به علاوه عالم ماده و جهان خلقت بر این امر استوار است که مردم با اختیار خود به بلوغ عقلی و معنوی برسند که از امام خود حمایت و اطاعت کنند، امام صادق علیه السلام درباره ویژگی اطاعت ایشان از امام می‌فرماید:

هُم أَطْوَعُ لَهُ مِنْ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۰۷)؛

مردانی که در میان امت، اطاعت‌پذیرترین و مطیع‌ترین آنان نسبت به مولای خود هستند.

بی‌شک یکی از فلسفه‌های غیبت این است که مردم در سایه اختیار و معرفتی که کسب می‌کنند امام را اطاعت کنند و بیش از هزار سال است که امام در انتظار چنین بلوغ و چنین معرفت بی‌بدیلی است. اما این‌که چه زمانی این شرط محقق می‌شود تاکنون مشخص نیست. وصول به معرفت و تشخیص این امر که چه فردی و در چه زمان و مکانی به این مقام رفیع نائل گشته که در زمره یاران حضرت قرار بگیرد در اختیار هیچ بشری غیر از خود حضرت صاحب امر نیست. در نتیجه انکشاف و حصول این شرط بر همگان پوشیده است. تنها یک امر ممکن است دلالت بر وقوع و تحقق این شرط داشته باشد و آن خود ظهور حضرت است. ظهور یا مشروط هنگامی که محقق می‌گردد دال بر به فعلیت رسیدن تمام شروط قبل از خود از جمله، شرط سوم یعنی حضور یاران باوفا و مخلص ایشان است (صدر، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ۳۹۹).

عدم اطلاع از نحوه وقوع و زمان حدوث شرط سوم، به ما اجازه سکون و ایستایی را نمی‌دهد بلکه برای تحقق این شرط باید تلاش کرد. برای تسریع در تحقق این شرایط و رخ نمودن روزگار آرمانی ظهور، دعا و تضرع در درگاه احدیت بسیار سودمند است. تمام این تلاش‌ها اعم از مادی و معنوی تحت عنوان نیروسازی قرار می‌گیرد.

گام‌های نیروسازی

یکی از سنت‌های الهی تحقق امور از مجرای طبیعی خود است، در نتیجه خود مردم باید به مرحله‌ای از رشد و کمال برسند که قابلیت و آمادگی ظهور حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ و تحقق اهداف ایشان را داشته باشند. کسب و تحصیل چنین رشدی دعوتاً و آنی نیست و مانند هر هدف مهمی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق علمی است. گام‌ها و مراحل نیروسازی با محوریت فرد یا جامعه متفاوتند.

فرد از آن جهت اهمیت دارد که او به مثابه مصالح ساختمان بزرگی به نام جامعه است و واضح و آشکار است که مصالح ضعیف و معیوب نمی‌توانند کارایی لازم جهت نیل به اهداف را داشته باشند. انسان صالح تشکیل‌دهنده نسل و جامعه‌ای صالح است، به همین دلیل است که در طول تاریخ خداوند متعال صد و بیست و چهار هزار پیامبر را فقط برای تزکیه و تعلیم انسان‌ها فرستاده است (همان: ۲۰۶).

۱. خودسازی اعتقادی

گام اول نیروسازی، ساختن عقیده‌ای استوار و محکم است. در طول تاریخ همواره شاهد

این امر بوده ایم که گروه اندک از مومنین بر گروهی بسیار از مشرکین به مدد قدرت ایمان فائق آمده‌اند، و مصداق بارز این آیه گشته‌اند:

﴿...كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةَ كَثِيرَةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (بقره: ۴۹).

یکی از دلایلی که امام صادق علیه السلام پیشنهاد قیام‌کنندگان علیه بنی‌امیه را به منظور تشکیل حکومت اسلامی رد کرد همین امر بود. امام می‌دانست برای تشکیل حکومت اسلامی آماده کردن قوا برای حمله نظامی کافی نیست، بلکه بایستی بیش از آن سپاهی عقیدتی تهیه می‌شد که به امام، عصمت و هدف‌های بزرگ امام معرفت کامل داشته باشد و از دستاوردها پاسداری نماید (پیشوائی، ۱۳۸۱ ش: ۳۹۱). عقیده که نیروی محرکه هر انسانی است بر پایه‌هایی استوار گشته است، از جمله:

الف) ایمان به خداوند سبحان و راه‌های تقویت آن

ایمان راسخ منتظران، به دل‌ها نیرو بخشیده، سبب می‌گردد هیچ شک و شبهه‌ای در دل به خداوند راه نیابد و سختی‌های راه را نه تنها مانع نداند، بلکه آن را سکوی پرتاب خویش به مراتب‌اعلای یقین ببینند. امام علی علیه السلام بینش عمیق نسبت به خداوند متعال را از نشانه‌های یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه معرفی کرده می‌فرماید:

رَجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹ق: ج ۳، ۱۷۷):

مردانی که خدا را آن‌چنان‌که شایسته است، شناخته‌اند و آنان یاوران مهدی علیه السلام در آخر الزمان‌اند.

اما مسیر اصلی کسب قدرتی به نام ایمان، باور و پذیرش خداوند به عنوان پروردگار و رب جهانیان است. این باور و اعتقاد به وجود خالق متعال به صورت فطری در نهاد همه انسان‌ها نهادینه شده و انکارناپذیر است:

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَلَيْسَ اللَّهُ شَأْنًا فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... (روم: ۳۰):

پیامبران‌شان گفتند: مگر درباره خدا - پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین - تردیدی هست؟

راه تقویت ایمان در گام اول بها دادن به این میل فطری به واسطه توجه به آیات آفاقی و انفسی است و اعتراف به این که جهان خلقت با این عظمت جز به واسطه خالق‌علیم و قدیر پدید نمی‌آید. انسان با ابزار تعقل و تفکر به مطالعه جهان پیرامون و درون خویش می‌پردازد.

ذهن انسان پرسشگر و حق‌جو که بر خلقت زمین و آسمان، نظم حاکم در دریاها، صحراها، گیاهان، حیوانات و موجودات آسمانی تأمل کرده و از راه علم تشریح و بدن‌شناسی به آفریدگار بدن پی می‌برد. ولی اگر انسان، اندیشه، مشاهدات، یافته‌های عقل نظری و عملی، اوصاف نفسانی و روح خود را که موجودی مجرد، ثابت و واحد است بنگرد، با سیرانفسی این مسیر را می‌پیماید (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش: ج ۱۱، ۲۷۵). هرچند هر دو مسیر به یک هدف منتهی می‌گردند اما مرتبه این اهداف متفاوت خواهد بود. عقل به وسیله برهان‌های متعدد جایگاه اعتقاد و ایمان به خداوند را استحکام بخشیده و دل را از شک و شبهه مصون می‌دارد. امام رضا علیه السلام درباره جایگاه عقل در ایجاد و تقویت ایمان به خداوند سبحان می‌فرماید:

و بالعقول يعتقد التصديق بالله، و بالاقرار يكمل الايمان به (ابن بابويه، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۵۱):

و به سبب عقل‌ها ایمان به خداوند متعال و اطمینان به او، محکم می‌گردد و منعقد می‌شود و سپس با اقرار کردن به زبان ایمان باطنی تکمیل و تثبیت می‌شود.

پس صرف اقرار زبانی نشان‌دهنده ایمان حقیقی نیست، چنانچه این اقرار انسان از یک باور و بینش عمیق قلبی تثبیت شده به واسطه عقل، نشأت گرفته باشد می‌تواند در عالم خارج موثر باشد. در نتیجه به عالی‌ترین درجه یقین نائل می‌گردد یعنی برای خود وجود منحاذ مستقل در نظر نگرفته؛ بلکه وجود خویش را عین ربط و نیاز و وابستگی به خداوند متعال ببیند و به این باور برسد که وی عین فقر به ذات خداوند سبحان است. به تناسب این باورها عبادت و عملی که از انسان سر می‌زند متفاوت خواهد بود. در واقع همه انسان‌ها یک هدف را با مراتب گوناگون دنبال می‌کنند هرچه بینش و معرفت شدیدتر، عبادت حاصل از آن بلندمرتبه و عالی‌تر است.

پس در واقع راه تقویت اعتقاد به خداوند از فطرت آغاز می‌گردد سپس مسیر خود به سوی قلب را طی کرده باور و پذیرش را شکل می‌دهد، بعد از آن با استدلال‌های عقلی تثبیت شده و قلب را جلا می‌بخشد. و نتیجه عملی آن عبادتی است که نه از خوف جهنم و نه شوق بهشت صورت می‌گیرد بلکه یک هدف بیشتر ندارد و آن آزادگی صرف و عشق محض به حضرت حق است (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷).

یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه کسانی هستند که به دلیل عمیق بودن اعتقادشان به خداوند ذره‌ای شک به خود راه نمی‌دهند؛ امام صادق علیه السلام در توصیف آنان می‌فرماید:

عن ابی عبدالله: ... رجال کان قلوبهم زبرالحديد لا يشوبها شك في ذات الله اشد من الحجر (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۰۸)؛
 آنان مردانی اند که گویا دل های شان پاره های آهن است و از سنگ سخت ترند و هیچ تردیدی در ذات خداوند ندارند.

ب) شناخت امام و تقویت این عقیده

بر هر مسلمانی لازم و ضروری است امام زمان خود را بشناسد و این شناخت به نحو آگاهانه در عمق جان شان رسوخ کند، دستورات او را بداند و به آنها معتقد باشد. اهمیت این مسئله زمانی دوچندان می شود که حیات اخروی انسان بدان وابسته باشد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی که مورد اتفاق شیعه و سنی است فرموده است:

من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة (کلینی، ۱۳۶۹ش: ج ۲، ۱۳۱)؛
 کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، مرگش مرگ جاهلیت است.

شناخت امام زمان علیه السلام به دلیل غیبت ایشان اهمیت بسیاری پیدا می کند تا آن جا که به دلیل عدم کسب این شناخت انحرافات بسیاری شکل می گیرد. عده ای در اصل وجود ایشان شک کرده می پندارند هنوز متولد نگشته است، عده ای وجود امام را پذیرفته سعی در یافتن ایشان در میان مردم کرده یا مدعیانی خود را امام دوازدهم معرفی می کنند، پیروانی جذب کرده و مردم را از مسیر حق منحرف می سازند و روزانه شاهد بسیاری از انحرافات و اعوجاج در باورداشت مهدویت به دلیل عدم شناخت نام و نسب حضرت هستیم. نیروسازی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بدون شناخت خاندان حضرت در ابتدای امر امکان پذیر نخواهد بود. باید معتقد بود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها فرزند امام حسن عسکری علیه السلام در روز پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری چشم به جهان گشود، روایات بسیاری از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و همچنین از سایر معصومین علیهم السلام به دست ما رسیده که همگی بر این امر تأکید دارند. هنگامی که از امام علی علیه السلام درباره معنی عترت در سخن پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد ایشان عترت را این گونه معنا فرمودند:

۱۷۵

فَقَالَ أَنَا وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأَئِمَّةُ التِّسْعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَسِعُهُمْ مَهْدِيُهُمْ وَقَائِمُهُمْ لَا يَفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَلَا يَفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَوْضَهُنَّ (ابن بابویه: ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۴۰)؛

پس ایشان فرمود من و حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین عترت هستیم، نفر نهم

مهدی و قائم‌شان است از کتاب خدا جدا نمی‌شوند تا این که بر من بر حوض وارد شوند.

گام دوم شناخت امام معصوم، شناخت سیره و راه و روش حضرت است. دانستن و اعتقاد به این امر که قول، فعل و تقریر امام معصوم در این عصر بر ما حجت و او کسی است که پیشوای امت اسلامی و تبعیت از او بر ما واجب است، او بیان‌کننده و مفسر احکام الهی و حافظ دین است. در عصر غیبت مردم از وجود او مانند خورشید پشت امر منتفع می‌گردند و استواری جهان به واسطه فیض وجود اوست. در این صورت است که شخص منتظر اطاعت امام را بر خود واجب دانسته و تبعیت از ایشان را در تمام شئون فردی و اجتماعی، دنیوی و آخروی لازم می‌داند.

۲. خودسازی عملی

عمل نتیجه اعتقاد است، اگر کسی در حد ممکن نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کسب معرفت نمود و حضور ایشان را باور کرد در مرحله اطاعت دچار شک و شبهه نخواهد شد. از عقاید مهم شیعیان این است که ما از وجود حضرت همچون خورشید پشت ابر سود می‌جوئیم و عالم خلقت بدون وجود واسطه فیض غیرممکن است. پس اوامر ایشان که به واسطه اخبار و روایات و اجتهاد فقهاء به ما رسیده باید در غیبت، همچون عصر ظهور اطاعت گردد. در این صورت است که هر فرد تبدیل به یک منتظر حقیقی گشته و او همان نیرویی است که امام را در راه پیشبرد اهداف اسلامی یاری خواهد کرد. این مقام به حدی والا و ستودنی است که امام صادق علیه السلام بر منتظران حقیقی درود و رحمت فرستاده می‌فرماید:

... قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ (نعمانی، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۰۰)؛

هرکس که خوشحال می‌شود که از یاران قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و با پرهیزگاری و اخلاق نیکو عمل نماید و با چنین حالتی منتظر باشد که هرگاه بمیرد و پس از مردنش قائم علیه السلام به پا خیزد، پاداش او همچون کسی خواهد بود که دوران حکومت آن حضرت را درک کرده باشد. پس بکوشید و منتظر باشید. گوارای تان باد ای گروه رحمت شده!

مقام انتظار پیشینه‌ای به بلندای طول تاریخ شیعه دارد از زمان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله این ندا به صدا در آمده که دنیا پایان نمی‌پذیرد تا این که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر جهان حکومت کند؛ و این ندا تا به امروز طنین انداز است و بشریت مؤظف است برای تحقق آن حکومت جهانی

نیروسازی کند و منتظرینی راستین تربیت نماید؛ راه رسیدن به مقام منتظر واقعی جز با تهذیب نفس و غلبه در جهاد اکبر حاصل نمی‌گردد. هر فردی که اندک تلاشی برای رهایی از وسوسه‌های شیطانی داشته باشد در می‌یابد که تهذیب نفس بسی سخت‌تر از جنگ و تحمل گرما و سرماست به همین دلیل به آن جهاد اکبر گفته شده؛ در عصر غیبت به دلیل محرومیت از حضور و ارشادهای مستقیم حضرت این امر بسی سخت‌تر نیز می‌شود. امام صادق علیه السلام سختی دینداری در این دوران را این‌گونه تبیین فرموده‌اند:

إِنَّ لَصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غِيْبَةً، الْمَتَمَسِّكَ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْحَارِطِ لِلْقِتَادِ - ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بَيِّدُهُ -
 ثُمَّ قَالَ: فَأَيُّكُمْ يَمْسُكُ شَوْكَ الْقِتَادِ بَيِّدُهُ؟ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لَصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ
 غِيْبَةً، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عِبْدَ وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ (كليني، ۱۳۶۹ ش: ج ۱، ۳۳۵)؛

کسی که بخواهد در زمان غیبت صاحب‌الامر علیه السلام به دین خود چنگ بزند و به لوازم دینداری ملتزم باشد، مانند کسی است که بخواهد با کشیدن دست، خارهای درخت قتاد را بکند. سپس حضرت فرمودند: کدام یک از شما می‌تواند خارهای درخت قتاد را با دست بگیرد؟ بعد فرمودند: به درستی که برای صاحب این امر، غیبتی است که باید بنده خدا، تقوا و پرهیزکاری را پیشه خود سازد و به دینش چنگ زند.

۳. تربیت نیروی جوان و زمینه‌ساز

ظهور بدون تحقق زمینه‌های حتمی محقق نمی‌یابد یکی از این زمینه‌ها وجود یاران و کارگزارانی است که در راه حفظ آرمان‌های اسلامی از بذل جان و مال خویش دریغ نوزند. و تا زمانی که چنین انسان‌هایی تربیت نیابند ظهور محقق نخواهد گشت.

تربیت زمینه‌سازان ظهور به معنای پرورش تمام استعدادها و توانمندی‌های فردی و اجتماعی است که منجر به شکل‌گیری عقیده راسخ و محکم همراه بصیرت به ظهور آخرین حجت الهی است. جهت تحقق ظهور نیاز به افرادی با قابلیت مدیریت جوامع انسانی هستیم که در دولت حضرت صاحب‌الامر علیه السلام فرمان حضرت را اجرا کرده و از چنان قدرت خلاقیت و توانمندی برخوردار باشند که هر یک از آنها با چهل نفر برابری کنند. یکی از ویژگی‌های یاران حضرت جوان بودن آنان است. جوانان پرهیزکار، جان‌باخته اسلام و تربیت یافته مکتب تشیع از ویژگی شاخص این افراد است. جوانانی می‌توانند به این جایگاه رفیع دست یابند که تربیت صحیح اسلامی دریافت کرده باشند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره اصحاب و یاران حضرت می‌فرماید:

یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه جوانانی هستند که در میان آنها پیرمرد به چشم نمی خورد؛ مگر خیلی اندک، مانند سرمه در چشم و نمک در غذا، که کمترین چیزی که در غذا ریخته می شود، نمک است... (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۷۶).

دلیل اهتمام ورزیدن روایات به جوانان این است که جوانان هر جامعه نیروی نظامی، دفاعی، سیاسی و فرهنگی را شکل می دهند. از این رو، نقش تربیت در شکوفایی نسل جدید بسیار مهم و حائز اهمیت است. باید آنها را به گونه ای پرورش داد که وارث و حامی ارزش های اسلامی و دینی بوده، بتوانند آنها را به نسل های بعد خود منتقل کنند. در غیر این صورت این امر خطیر ابتر می ماند از این روست که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

وای بر فرزند آخرالزمان، از روش ناپسند پدران شان! عرض شد: ای رسول خدا! از پدران مشرک آنها؟ فرمود: نه! از پدران مسلمان آنها که هیچ یک از فرائض دینی را به آنها نمی آموزند و به ناچیزی از امور مادی درباره آنها بسنده می کنند. من از این مردم بیزارم و آنان نیز از من بیزارند (الشعیری، بی تا: ج ۱، ۱۰۶).

از مهم ترین گام های تربیتی، رفتارهای اخلاقی، فرهنگی و ارزشی است که در روند تربیت زمینه سازان نقش مهمی را ایفا می کنند. از جمله: «امام محوری، عدالت منشی، نجات اندیشی، سعادت طلبی، کمال انگاری، تحول مداری، عاشوراگرایی، تقوآمداری، جهادمداری، باور راسخ به اراده الهی، اصول و الزاماتی هستند که مریبان این عرصه در گام نخست پیش از هرکس و پیش از هر اندیشه و اقدامی باید به آنها اذعان کنند تا بتوانند فراگیران را به تناسب و اقتضای آنها تربیت کنند. برای استخراج و استنباط هر یک از این اصول و الزامات کافی است به واقعیت های حتمی الوقوع و تردیدناپذیری اشاره کرد که فلسفه انتظار فرج را تعریف و تبیین می نمایند و عصر ظهور را سرآمد همه عصرها و دوران ها می سازند. مریبان و متریبان تربیت زمینه ساز باید در همین راستا به اصول و الزامات ده گانه توجهی ویژه مبذول دارند» (رهنمایی، ۱۳۹۲ش: ۸).

با محقق شدن این ویژگی ها و اصول رفتاری این جوانان مصداق این سخن امام صادق علیه السلام می گردند که می فرماید:

آن (گنجینه ها) مردانی هستند که دل های شان مانند پاره های آهن است، هیچ گونه تردیدی در آنها راه ندارد، در اعتقادشان به خدا از صخره و سنگ محکم ترند (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۷۳).

۴. تشکیل حکومت زمینه‌ساز

جامعه اسلامی به عنوان بستری که سازنده نیروهای زمینه‌ساز ظهور بوده از اهمیت مضاعفی برخوردار است. در آستانه ظهور حرکت‌ها و قیام‌هایی شکل می‌گیرد که زمینه را برای حرکت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهیا می‌سازد. در حقیقت نتیجه یک انتظار پویا و راستین تشکیل حکومتی است که زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

گروهی از ناحیه مشرق قد بر می‌افرازند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می‌سازند (متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۴، ۲۶۳).

زیرا بسیاری از احکام اسلامی در صورت نبودن حاکمیت اسلام قابلیت اجرا پیدا نمی‌کند مانند قوانین اجتماعی، سیاسی و اقتصادی. فیض الاسلام در باب ضرورت تشکیل حکومت اسلامی می‌نویسد:

واجب بودن جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، همکاری در انجام نیکی‌ها، فتوا دادن، حکم نمودن بین مردم به حق، اقامه حدود و دیگر احکام سیاسی دین اسلام، از ضروریات مکتب و اساسی‌ترین محور آن است. این‌گونه نیازهای مهم است که بعثت انبیا را ضروری می‌سازد؛ چه این که رها ساختن‌شان به تعطیل نبوت، نابودی دیانت، فراگیری ضلالت، شیوع جهالت، ویرانی شهرها و هلاکت بندگان خدا می‌انجامد (سروش، ۱۳۸۷ش: ج ۱، ۵۳۳).

پس حال که با تشکیل حکومت بسیاری از احکام اسلامی اجرا می‌شود می‌توان نتیجه گرفت که به لحاظ عقلی تشکیل حکومت اسلامی یکی از مهم‌ترین نیروهایی است که به واسطه آن می‌توان زمینه را برای انتشار و گسترش اسلام اصیل و رساندن پیام حکومت جهانی مهدوی به کل دنیا مخابره کرد. قطعاً مهم‌ترین پیام چنین حکومتی صلح، آرامش، عدالت برای همه جهانیان است، مردم تا زمانی که از فواید حاکمیت اسلام بر زندگی خویش علم و آگاهی نیابند نمی‌توانند طالب آن باشند. به عالی‌ترین مقام انتظار دست یابد نه تنها مؤلف به اصلاح خویش است بلکه اصلاح دیگران و هدایت جامعه از مهم‌ترین وظایف او قلمداد می‌شود.

۵. نیروی نظامی و سیاسی

یکی از عقاید قطعی شیعیان این است که خداوند حکیم است و تمام افعال ایشان دارای هدف و براساس حکمت و برنامه‌ای از پیش تدوین شده است. در غیبت ماندن امام معصوم

بیش از صدها سال نیز دارای حکمت و مصلحتی است. مصلحتی که اولاً و بالذات به نفع تمام بشریت است. در بیان یکی از علل و حکمت‌های غیبت این روایت آمده است که امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا بُدَّ لِلْعَلَامِ مِنْ غَيْبَةٍ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَخَافُ الْقَتْلَ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق: ج ۱، ۲۴۳). در این روایت یکی از دلایل روشن و فلسفه‌های غیبت در امان نبودن جان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از دسیسه‌های دشمنان است، این نشان‌دهنده این امر است هنگامی که یک حکومت اسلامی به حدی از رشد نظامی و دفاعی نرسد که امنیت افراد حاکم بر آن حفظ گردد، زمینه هنوز مهیای ظهور نگشته است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در شرایطی ظهور می‌کنند که یاوران ایشان به حدی از رشد سیاسی و نظامی رسیده باشند که آن اتفاقی که برای یازده امام پیشین رخ داد تکرار نگردد. رشد سیاسی و نظامی نیازمند پشتوانه علمی و کارگروهی منسجم است، که دست‌یابی آن بر همگان واجب و ضروری است. داشتن چنین اقتدار نظامی که جز در سایه حکومت اسلامی پدید نمی‌آید موجب می‌گردد دشمنان نه تنها به فکر آسیب و استعمار جامعه اسلامی نباشند بلکه با ترس و دلهره‌ای که از تجهیزات و تدارکات مسلمانان به دل راه می‌دهند حتی فکر حمله و تجاوز به خود راه ندهند. آیه ۶ سوره انفال می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...﴾

در این آیه به همه مسلمانان امر می‌کند که با نیروسازی و قدرت‌افزایی در دل دشمنان ترس ایجاد کنند. این نیرومندسازی چه از طریق علم‌آموزی، آماده‌سازی نیروی انسانی و تجهیز آنها به انواع سلاح‌های زمینی و دریایی و... مایه قدرت حاکمیت اسلامی و ترس دشمنان می‌گردد. در وصف شجاعت یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز به وحشت‌اندازی آنان در دل دشمن تأکید شده است.

نزد علی علیه السلام بودیم که شخصی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف سؤال کرد؟ حضرت فرمود:

يُخْرَجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ إِذَا قَالَ الرَّجُلُ: اللَّهُ اللَّهُ قَتَلَ، فَيُجْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ قَوْمًا قَزَعُ كَقَزَعِ السَّحَابِ، يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَى أَحَدٍ وَلَا يَفْرَحُونَ بِأَحَدٍ يَدْخُلُ فِيهِمْ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۶۸)؛

او در آخرالزمان خروج خواهد کرد، آن زمان که اگر شخصی بگوید: خدا را، خدا را، کشته شد! در آن هنگام، خداوند برای او گروهی را جمع می‌کند که همانند ابرهای پراکنده، متفرق‌اند؛ خداوند در قلب‌های آنها انس و الفت به یکدیگر را قرار می‌دهد، از کسی

احساس وحشت نمی‌کنند و به کسی که داخل در جماعت آنها شود، شاد نمی‌گردند.

از اجتماع چنین گروهی است که امنیت در کل جهان برقرار گشته و به رهبری حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، عدالت برقرار می‌گردد و از هیچ امری ترس و دلهره نخواهند داشت.

نتیجه‌گیری

ظهور حضرت صاحب عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پایه شرایطی است، یکی از این شرایط نیروسازی است. شرایط ظهور به معنای مهیا کردن زمینه‌های لازم و ضروری جهت تحقق این امر مهم است. معنای شرط در فلسفه یعنی هر آنچه که نتیجه یا مشروط برای تحققش بدان وابسته باشد و بدون شرط، مشروط به وجود نمی‌آید. این رابطه از نوع علی، معلولی یا سبب، مسببی است. در صورت عدم تحقق هر یک از شرایط ظهور، ظهور به لحاظ عقلی محقق نمی‌گردد.

ظهور سه شرط دارد و اول برنامه‌ای جامع و کامل دوم رهبری قوی و فرزانه کتبه توانایی حکومت بر جهان را داشته باشد سوم وجود نیرو یا یارانی متقی و حامی که آماده اجرا و تنفیذ تمام اوامر و برنامه‌های امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند شرط سوم هنوز محقق نشده اما این به معنای ایستایی و سکون نیست.

یکی از سنت‌های الهی تحقق امور از مجرای طبیعی خود است، در نتیجه خود مردم باید به مرحله‌ای از رشد و کمال برسند که قابلیت و آمادگی ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحقق اهداف ایشان را داشته باشند.

گام‌های نیروسازی عبارتند از: اول، خودسازی اعتقادی، ساختن عقیده‌ای استوار و محکم، در طول تاریخ همواره شاهد این امر بوده‌ایم که گروه اندک از مؤمنین بر گروهی بسیار از مشرکین به مدد قدرت ایمان فائق آمده‌اند:

مرحله اول: تقویت ایمان، تقویت اعتقاد به خداوند است که از فطرت آغاز می‌گردد سپس مسیر خود به سوی قلب را طی کرده باور و پذیرش را شکل می‌دهد، بعد از آن با استدلال‌های عقلی تثبیت شده و قلب را جلا می‌بخشد. سپس در مرحله دوم باید اعتقاد به امام به این معنا که اعتقاد به این امر که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها فرزند امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف در روز پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری چشم به جهان گشود.

مرحله دوم: خودسازی عملی؛ تلاشی برای رهایی از وسوسه‌های شیطانی داشته باشد در می‌یابد که تهذیب نفس بسی سخت‌تر از جنگ و تحمل گرما و سرماست به همین دلیل به آن

جهاد اکبر گفته شده؛ در عصر غیبت به دلیل محرومیت از حضور و ارشادهای مستقیم حضرت این امر بسی سخت‌تر نیز می‌شود.

مرحله سوم: تربیت نیروی جوان زمینه‌ساز؛ تربیت زمینه‌سازان ظهور به معنای پرورش تمام استعدادها و توانمندی‌های فردی و اجتماعی است که منجر به شکل‌گیری عقیده راسخ و محکم همراه بصیرت به ظهور آخرین حجت الهی است. چنین امری لازمه تکامل مربی و متربی است.

مرحله چهارم: تشکیل حکومت زمینه‌ساز؛ جامعه اسلامی به عنوان بستری که سازنده نیروهای زمینه‌ساز ظهور بوده از اهمیت مضاعفی برخوردار است. در حقیقت نتیجه یک انتظار پویا و راستین تشکیل حکومتی است که زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. زیرا بسیاری از احکام اسلامی در صورت نبودن حاکمیت اسلام قابلیت اجرا پیدا نمی‌کند.

مرحله پنجم: تجهیز جامعه به لحاظ سیاسی نظامی و دفاعی است تا با وحشت در دل دشمنان بتواند از جان‌ها در برابر تهدیدات دشمن محافظت نموده و با تدبیری جهانی عدالت را بر کل جهان حاکم کند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ق)، *علل الشرایع*، قم: منشورات المكتبة الحیدریة، اول.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین وتمام النعمه*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامیة، دوم.
۳. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمہ فی معرفه الائمه*، تبریز: انتشارات بنی‌هاشمی، اول.
۴. پیشوائی، مهدی (۱۳۸۱ش)، *سیره پیشوایان*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، سیزدهم.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ش)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، قم: انتشارات اسراء، اول.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶ش)، *امام مهدی موجود موعود*، قم: انتشارات اسراء، سیزدهم.
۷. حیدر، أسد (۱۴۲۲ق)، *الإمام الصادق و المذاهب الأربعة*، بیروت: دارالتعارف، اول.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، *لغت‌نامه*، تهران: روزنه، دوم.

۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، قم: دفتر نشر کتاب، دوم.
۱۰. رهنمایی، سید احمد (۱۳۹۲ش)، «تربیت زمینه‌ساز عصر ظهور اصول و الزامات»، فصل‌نامه *مشرق موعود*، سال هفتم، شماره ۲۶.
۱۱. سلیمان، خدامراد (۱۳۸۶ش)، *درسنامه مهدویت*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، اول.
۱۲. شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا)، *جامع الاخبار*، نجف: انتشارات حیدریه، اول.
۱۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۹ق)، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه*، قم: مؤسسه السیده المعصومه، اول.
۱۴. الصدر، سید محمد (۱۴۱۲ق)، *تاریخ الغیبه الكبرى*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، اول.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۷ش)، *تفسیر المیزان*، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، یازدهم.
۱۶. الطوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، مصحح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دارالمعارف الإسلامی، اول.
۱۷. الفراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *العین*، بیروت: دار و مکتبه الهلال، دوم.
۱۸. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی (۱۴۰۵ق)، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه (تألیفات فیض الاسلام)، اول.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹ش)، *اصول الکافی*، ترجمه: سید جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، اول.
۲۰. متقی هندی، علاء‌الدین علی (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال*، بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، تهران: مؤسسه الوفا، دوم.
۲۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: نشر صدوق، اول.
۲۳. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۲۶ق)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت عجل الله تعالی فرجه*، قم: مرکز پژوهش‌های فارسی‌الغدير، اول.